

پژوهشهای حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۱۰

هزار و سیصد و نود و شش - نیمسال دوم (دوفصلنامه)

- ۵ • قاعده مجرمیت متقابل در حقوق جزای بین الملل ایران
معصومه شکفته گوهری - دکتر مجتبی جانی پور اسکالکی
- ۴۳ • حمله سایبری به مثابه جنایت تجاوز و بررسی صلاحیت دیوان کیفری بین المللی در رسیدگی به آن
دکتر پرستو اسمعیل زاده ملاباشی
- ۶۷ • رویکرد امنیت مدار به حقوق کیفری و رهیافت های آن در فرایند دادرسی کیفری (با تأکید بر حقوق کیفری ایران، فرانسه و ایالات متحده)
نبی‌اله غلامی - دکتر شهلا معظمی
- ۱۰۱ • تأثیر نظام حقوق بشر بر اساسنامه دادگاه های کیفری بین المللی در زمینه مجازات اعدام
دکتر علیرضا تقی پور
- ۱۲۷ • بسترهای بزه دیدگی جنسی در مقررات غیر کیفری (با تأکید بر قانون مدنی و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست)
دکتر سید منصور میرسعیدی - نرگس السادات عطایی حسین آبادی
- ۱۵۱ • اقدامات بین المللی در پیشگیری و مقابله کیفری با تروریسم دریایی
پیمان حکیم زاده خوئی - دکتر محسن عبدالمهی





http://jcl.ac.ir/article_58378.html

تأثیر نظام حقوق بشر بر اساسنامه دادگاه‌های

کیفری بین‌المللی در زمینه مجازات اعدام

دکتر علیرضا تقی‌پور*

چکیده:

اهداف مجازات را بازدارندگی، سزادهی، اصلاح مجرمین و حمایت از جامعه تشکیل می‌دهند. طراحان اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی نورنبرگ و توکیو که متعاقب جنگ دوم جهانی ایجاد شدند از میان این اهداف، صرفاً سزادهی را مدنظر قرار داده بودند. در حالی که از عبارات مندرج در قطعنامه‌های صادره توسط شورای امنیت سازمان ملل برای تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا تمامی اهداف مجازات قابل استنباط است. مجازات اعدام در اساسنامه دادگاه‌های مزبور پیش‌بینی نشده است و علت این امر را می‌توان تصویب اسناد بین‌المللی مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و پروتکل‌های الحاقی به آنها عنوان نمود. بر اساس مقاله حاضر که به شیوه توصیفی تحلیلی نگارش یافته است، به رغم اینکه در حقوق بین‌الملل، اجماعی در زمینه ممنوعیت مجازات اعدام وجود ندارد، اما وجود اسناد بین‌المللی اخیرالذکر و متعاقب آن، تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی توسط تعداد زیادی از کشورهای جهان به ویژه کشورهایی که مجازات اعدام را در قوانین داخلی خود ممنوع اعلام نکرده‌اند حاکی از تأثیرگذاری نظام حقوق بشر بر اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی است. اما موضوعی که می‌تواند تأثیر نظام حقوق بشر بر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد، امکان محاکمه مجدد، نسبت به فرد محکومیت‌یافته در دیوان توسط محاکم ملی که همچنان مجازات اعدام را در قوانین خود حفظ کرده‌اند، می‌باشد. لذا با اصلاح بند ۲ ماده ۲۰ اساسنامه و تغییر واژه جرایم به رفتار، نه تنها شاهد رعایت قاعده حقوق بشری منع محکومیت مجدد خواهیم بود، بلکه جایگاه نظام حقوق بشر در ممنوعیت مجازات اعدام در اساسنامه دیوان به بهترین وجه حفظ می‌شود.

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۰، نیمسال دوم ۱۳۹۶
صفحه ۱۰۱-۱۲۵، تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۳/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۴

کلیدواژه‌ها:

مجازات اعدام، حقوق بشر، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، اسناد بین‌المللی.

مقدمه

حقوق کیفری به عنوان مجموعه‌ای از مقررات تأمین‌کننده نظم اجتماع، همواره به شیوه‌های سرکوب‌گرایانه متوسل شده است. شیوه‌هایی که معمولاً به صورت اعدام^۱ و زندان جلوه‌گر شده و نتیجه‌ای جز طرد بزهدکاران از جامعه در پی نداشته است. در حالی که قوای عمومی برای تأمین دفاع اجتماعی نمی‌توانند از هر وسیله‌ای ولو به قیمت از بین رفتن کرامت انسانی استفاده نمایند. به همین دلیل، پس از جنگ دوم جهانی و متعاقب انتشار نظریات صاحب‌نظران در زمینه حقوق اولیه انسان، اسنادی به تصویب رسیدند. در کلیه اسناد مزبور مقرراتی را در راستای حمایت از حقوق افراد می‌توان مشاهده کرد. از این اسناد می‌توان به عنوان اسناد حقوق بشری یاد کرد؛ زیرا کرامت انسان تحت هر شرایط، ویژگی‌ها و خصوصیتی باید رعایت گردد. بدین سان، نظام حقوق کیفری متحول گردید و اکثر دولت‌ها برای حفظ شأن و جایگاه خود در صحنه جهانی، مقررات این اسناد را وارد قوانین کیفری خویش نمودند. اعلامیه جهانی حقوق بشر، نخستین سند از این حیث به شمار می‌رود که در مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید.

از زمان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر تاکنون، سازگاری مجازات اعدام با معیارهای پذیرفته‌شده در نظام بین‌المللی حقوق بشر به حداقل رسیده است. علت این بیان را می‌توان در شناسایی حق حیات در اسناد بین‌المللی مطرح کرد. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۳ به صورت مطلق از حق حیات سخن به میان آورده است، بدون اینکه استثنایی مانند مجازات اعدام برای آن پیش‌بینی نماید. در ماده ۵ از اعلامیه مزبور نیز اینگونه مقرر شده است که هیچ‌کس نباید تحت مجازات غیرانسانی و یا رفتاری قرار گیرد که منجر به تنزل شأن و مقام انسانی وی گردد. از این عبارات نیز استنباط می‌شود که هدف طراحان اعلامیه آن بوده است که مجازات اعدام نباید در مورد محکومین به مرحله اجرا درآید. فرایند تصویب اعلامیه، چنین دیدگاهی را تقویت می‌کند. در آن زمان، اکثر دولت‌های عضو سازمان ملل بجز هفت کشور،

۱. جهت دلایل تفصیلی موافقان و مخالفان اعدام مراجعه کنید به: مارک آنسل، *اعدام*، ترجمه مصطفی رحیمی (تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۵۶). چاپ دوم، ۲۴۶-۲۰۸؛ و نیز معاونت برنامه‌ریزی و توسعه قضایی، *بررسی وضعیت مجازات اعدام* (قم: انتشارات دادگستری استان قم، ۱۳۸۷)، چاپ اول، ۴۵-۲۰.

مجازات اعدام را در قانون داخلی خود حفظ کرده بودند.^۲ طرح اولیه این اعلامیه در اوایل ۱۹۴۷ ضمن شناسایی حق حیات، پیش‌بینی کرده بود که هر کشوری می‌تواند مقرراتی را در زمینه مجازات اعدام در نظر بگیرد. اما متعاقباً برخی از اعضای کمیته تهیه پیش‌نویس اعلامیه با اشاره به اقدامات در حال انجام در برخی از کشورها در خصوص الغای مجازات اعدام مقرر نمودند که مجازات مزبور نباید جایگاهی در اعلامیه داشته باشد.^۳ در واقع، هنگام تصویب اعلامیه این نگرانی وجود داشت که در صورت پیش‌بینی اعدام به عنوان یک مجازات قابل پذیرش، روند الغای آن در کشورهایی که گام‌هایی را در این راستا برداشته بودند، متوقف شود. هرچند اعلامیه جهانی حقوق بشر سند الزام‌آوری برای دولت‌ها به شمار نمی‌رود، اما چارچوب مشخصی را برای اسنادی که متعاقباً به تصویب رسیدند، بنیان نهاد. کمتر از دو سال پس از تصویب اعلامیه جهانی، شورای اروپا در ۱۹۵۰، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر را به عنوان اولین سند منطقه‌ای تصویب کرد و نهایتاً از ۳ سپتامبر ۱۹۵۳ به مورد اجرا گذاشته شد. همچنین کنوانسیون مزبور، نخستین سند حقوق بشری است که یک نهاد قضایی یعنی دیوان اروپایی حمایت از حقوق بشر را در استراسبورگ فرانسه به عنوان سازوکار نظارتی بر اجرای مقررات خویش ایجاد کرده است.

در ماده ۲ کنوانسیون، همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق حیات به رسمیت شناخته شده اما برخلاف این اعلامیه، اعدام برای جرایمی که در قوانین داخلی کشورها چنین مجازاتی برای آنها پیش‌بینی شده، در نظر گرفته شده است. مطابق ماده مزبور «حق هرکسی برای حیات باید توسط قانون حمایت شود. هیچ‌کس نباید عمداً از حیات محروم شود مگر در اجرای حکم دادگاه در مورد جنایتی که مجازات سالب حیات در قانون برای آن مقرر شده است». به نظر می‌رسد علت چنین امری را بتوان وجود دادگاه‌هایی دانست که توسط متفقین پس از پایان کار دادگاه بین‌المللی نورنبرگ در سطح اروپا برای محاکمه سایر جنایتکاران آلمانی جنگ دوم جهانی، تأسیس و احکام اعدام را در مورد آنان اجرا می‌کردند؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا نمود کنوانسیون اروپایی تحت تأثیر رویه مزبور قرار داشته است.

از ابتدای دهه هفتاد میلادی، شورای اروپا اقداماتی را در راستای اصلاح ماده ۲ به عمل

-
2. Mohamed Suma, "The Politics of the Death Penalty in Post Conflict Sierra Leone: An Opportunity for Reform or a Missed Opportunity," in *The Politics of the Death Penalty in Countries in Transition*, ed. Madoka Futamura and Nadia Bernaz, First Published. (New York: Routledge, 2014), 157.
 3. William A Schabas, "International Legal Aspects," in *Capital Punishment: Global Issues and Prospects*, ed. Peter Hodgkinson and Andrew Rutherford, VOL II. (Hampshire: Waterside Press, 1996), 19.

آورد تا اینکه در سال ۱۹۸۳ پروتکل شماره ۶ به امضای برخی از کشورهای اروپایی رسید و از اول مارس ۱۹۸۵ به مرحله اجرا گذاشته شد. به موجب این پروتکل که حق شرطی نیز برای کشورهای اروپایی در نظر نگرفته بود^۴ مجازات اعدام در زمان صلح ممنوع اعلام گردید. بدین‌سان، دولت‌های اروپایی همچنان حق داشتند در زمان جنگ که خطری علیه موجودیت آنان تلقی می‌شود، مجازات اعدام را حفظ نمایند. برخی معتقدند، شرط اجرای مجازات اعدام در زمان جنگ، استدلال قدیمی مخالفان لغو اعدام را در نظر دارد که در زمان جنگ، هنگامی که سربازان با به خطر انداختن جان خود انجام وظیفه می‌کنند، دلیلی ندارد که جنایتکاران از چنین خطری به دلیل تبهکاری خود، مصون مانده و در زندان پناه گیرند.^۵

پس از گذشت چند سال از اجرای پروتکل، دیوان اروپایی حمایت از حقوق بشر با خاطرنشان ساختن این موضوع که مجازات اعدام به رغم حفظ آن در قوانین داخلی، عملاً در کشورهای عضو شورای اروپا اجرا نمی‌شود، اعلام نمود که امکان اصلاح مجدد کنوانسیون وجود دارد.^۶ بدین‌سان، در ۲۰۰۳ میلادی، پروتکل شماره ۱۳ الحاقی به کنوانسیون اروپایی به مرحله اجرا گذاشته شد. در این پروتکل مقرر شده است «ضرورت حمایت از حق حیات و نیز شناسایی کامل کرامت ذاتی بشر ایجاب می‌کند که مجازات اعدام در هر زمانی خواه جنگ یا صلح نسخ شود». لازم به ذکر است حق شرط، همانند پروتکل شماره ۶ نسبت به پروتکل مزبور نیز در نظر گرفته نشده است.

مذاکرات در راستای تصویب یک سند جهانی، زمان بیشتری را در مقایسه با کنوانسیون اروپایی به عنوان یک سند منطقه‌ای به خود اختصاص داد. بدین معنا که هرچند اقدام در جهت تصویب چنین سندی از ابتدای ۱۹۴۷ آغاز شده بود، اما در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ بود که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به تصویب رسید. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را از جمله مهم‌ترین اسناد جهانی می‌توان محسوب نمود که مهم‌ترین حقوقی که افراد بشریت از آن برخوردار هستند مورد توجه قرار داده و ماده ۲۸ میثاق، کمیته حقوق بشر

4. Hans Christian Kruger, "Protocol No.6 to the European Convention on Human Rights," in *The Death Penalty: beyond Abolition*, ed. Council of Europe. (Berlin: Council of Europe Publishing, 2004), 88.

۵. ژان ماری کربس، *مروری بر تاریخ مجازات اعدام*، ترجمه رضا ناصحی (واشنگتن: بنیاد عبدالرحمن برومند، ۱۳۹۵)، ۸۶.

6. George Nolte, "Jurisprudence under Special Regimes Relating to Subsequent Agreements and Subsequent Practice," in *Treaties and Subsequent Practice*, ed. George Nolte (Oxford: Oxford University Press, 2013), 263.

را به عنوان نهادی که وظیفه تفسیر مقررات مندرج در آن را بر عهده دارد، پیش‌بینی کرده است.

مطابق ماده ۶ میثاق: «هر فرد از حق ذاتی حیات برخوردار است». به این معنا نه‌تنها، جامعه حق حیات را به فرد اعطاء نمی‌کند، بلکه باید از این حق حمایت نماید. واژه ذاتی مندرج در این ماده در کنوانسیون‌های اروپایی و آمریکایی حقوق بشر ذکر نشده است. اما مجازات اعدام در قبال شدیدترین جرایم به عنوان استثنایی برای حق حیات در نظر گرفته شده و اجرای آن به نحو الزام‌آور و مطلقاً نسبت به اشخاص زیر ۱۸ سال و زنان باردار ممنوع اعلام شده است.^۷ هرچند در این ماده به عنوان مثال، سخنی از ممنوعیت مجازات مجانین به میان نیامده است، اما به نظر می‌رسد ممنوعیت چنین اقدامی جزو قواعد عرفی حقوق بین‌الملل در آمده و نیازی به ذکر آن نبوده است.

صرف‌نظر از ماده ۷ میثاق که مجازات‌های ترحیمی و غیرانسانی را ممنوع اعلام کرده است که به نوعی می‌توان پیوندی میان این ماده و ممنوعیت مجازات اعدام به عنوان یک مجازات غیرانسانی برقرار کرد، در ماده ۴ میثاق نیز مقرر شده است: «در زمان بروز وقایع اضطراری که موجودیت ملت را تهدید کند و وجود چنین خطری رسماً اعلام شود، کشورهای طرف این میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر، تا آن حد که مرتبط با وضعیت موجود باشد اتخاذ نمایند، مشروط به اینکه تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که طبق حقوق بین‌الملل بر عهده دارند، مغایرت نداشته باشد». بر اساس بند ۲ از این ماده، انحراف از ماده ۶ مجاز شمرده نشده است. این امر بدان معناست که دولت‌هایی که مجازات اعدام را برای جرایم خطیر در قوانین داخلی خود پیش‌بینی کرده‌اند نمی‌توانند در وضعیت‌های اضطراری، آن را به سایر موارد توسعه دهند. این موضوع می‌تواند به تنهایی بیانگر اهمیت حق حیات در زمان تصویب میثاق تلقی شود.

همان‌گونه که مطرح گردید میثاق بین‌المللی، مجازات اعدام موجود در برخی از کشورها در قبال جرایم خطیر را مورد پذیرش قرار داده است. شاید نتوان طراحان میثاق را با توجه به زمان تصویب آن که رویکردی جهانی به نسخ مجازات اعدام وجود نداشت متهم به کوتاهی نسبت به یک حق ذاتی کرد؛ اما تنها زمانی می‌توان برای حق حیات، احترام ذاتی قائل شد که هیچ‌گونه استثنایی نسبت به آن وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر، همان‌گونه که اعلامیه

7. Sharon Detrick, *A Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child* (The Hague: Martinus Nijhoff Publishers, 1999), 126.

جهانی حقوق بشر استثنایی برای حق حیات مطرح نکرده است از یک سند جهانی الزام‌آور که قریب به بیست سال پس از آن به تصویب می‌رسد انتظار می‌رفت این بار به صورت صریح، حق ذاتی حیات را بدون استثناء پیش‌بینی نماید.

به همین دلیل، ماده ۶ میثاق متعاقباً طی پروتکل دوم الحاقی به آن در ۱۹۸۸ اصلاح شد. در مقدمه این پروتکل آمده است که دولت‌های عضو این پروتکل با این اعتقاد که نسخ مجازات اعدام در ارتقای شأن بشر و پیشرفت فزاینده حقوق بشر سهم بسزایی ایفاء می‌کند و نیز با در نظر گرفتن ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مفاد پروتکل حاضر را مورد تصویب قرار می‌دهند و بدین ترتیب، مجازات اعدام در زمان‌های صلح و جنگ به موجب پروتکل الحاقی به یک سند جهانی، ممنوع اعلام گردید. پروتکل مزبور در جولای ۱۹۹۱ به مرحله اجرا درآمد. اما ذکر این نکته ضروری است که کشورها می‌توانند هنگام تصویب، حق شرط را در زمان جنگ برای جرایمی که ماهیت نظامی مانند جرایم جنگی دارند برای خود حفظ نمایند. هرچند از محتوای پروتکل این نکته استنباط می‌شود که این دسته از کشورها نمی‌توانند با تغییر قانون داخلی باعث تغییر در محتوای حق شرط شوند.

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر از دیگر اسنادی است که توسط سازمان کشورهای آمریکایی در ۱۹۶۹ تصویب و از ۱۹۷۸ به مرحله اجرا درآمد. کنوانسیون مزبور، هرچند در ماده ۴ مجازات اعدام را در مورد شدیدترین جرایم مورد پذیرش قرار داده است اما مقرر نموده کشورهایی که تا آن زمان مجازات اعدام را در قوانین داخلی خود منسوخ اعلام کرده‌اند مجدداً نمی‌توانند آن را به مرحله اجرا گذارند. متعاقباً دومین پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی در ۸ ژوئن ۱۹۹۰ تصویب و به موجب آن مجازات اعدام در زمان صلح، منع و از ۲۸ آگوست ۱۹۹۱ اجرایی گردید.^۸

در مقاله حاضر که در دو گفتار تنظیم شده، این موضوع بررسی گردیده که نظام بین‌المللی حقوق بشر بر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در زمینه حذف مجازات اعدام چه تأثیری نهاده و دادگاه‌های مزبور با چه موانعی در این راستا مواجه بوده‌اند؟

۱- دادگاه‌های موقت کیفری بین‌المللی

متعاقب بروز جنایات هولناک و در پاسخ به جریحه‌دار شدن احساسات جامعه بشری، در قرن

8. Sonjac Grover, *Prosecuting International Crimes and Human Rights Abuses Committed Against Children* (Berlin: Springer, 2010), 12.

بیستم میلادی دادگاه‌هایی با وظیفه تعقیب و محاکمه جنایتکاران بین‌المللی تأسیس شدند. تفاوت‌های عمده‌ای که می‌توان میان این دادگاه‌ها قائل شد از یک طرف به مرجع تأسیس‌کننده آنها به این معنا که دادگاه‌های نسل اول در حقوق کیفری بین‌المللی توسط تعداد معدودی از کشورهای جهان تأسیس گردیدند در حالی که دادگاه‌های نسل دوم توسط یک نهاد بین‌المللی ایجاد شدند و از طرف دیگر به تقدم و تأخر زمانی تأسیس آنها نسبت به اسناد بین‌المللی حقوق بشر برمی‌گردد.

۱-۱- دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو

از دیرباز تعقیب و محاکمه جنایتکارانی که صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌اندازند مورد توجه جهانیان قرار داشته است و شاید بتوان اولین دادگاهی را که در این خصوص تشکیل شد، دادگاهی دانست که در ۱۴۷۴ میلادی در برساخ اتریش با حضور بیست و هفت قاضی امپراتوری روم، پترفون هاخن باک را به اتهام جنایت علیه خداوند و بشریت محاکمه و اعدام نمود.^۹

پس از جنگ اول جهانی به موجب معاهده صلح ورسای ۱۹۱۹ مقرر گردید، یک محکمه بین‌المللی متشکل از نمایندگان آمریکا، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و ژاپن اقدام به محاکمه ویلهلم دوم، امپراتور آلمان نماید. اما با توجه به پناهنده شدن ویلهلم به هلند و عدم استرداد نامبرده محاکمه‌ای نیز برگزار نگردید.^{۱۰}

در جریان جنگ دوم جهانی، اندیشه محاکمه و مجازات کسانی که جنگ را آغاز کرده بودند در اعلامیه ۱۹۴۳ مسکو مطرح شد. در این اعلامیه پیش‌بینی گردیده بود که مسؤولین جنایات ارتكابی در کشورهای اشغالی در محل ارتكاب جرم و عده‌ای نیز که جنایات ارتكابی آنان محدوده جغرافیایی خاص ندارد طبق تصمیم مشترک دولت‌های متفق، مجازات شوند. پس از صدور اعلامیه، بحث بر سر این موضوع بود که جنایتکاران، بدون انجام هرگونه محاکمه‌ای مجازات شوند یا در این خصوص محکمه‌ای تشکیل شود. دولت انگلستان بر این اعتقاد بود که جنایتکاران اصلی جنگ، بدون برگزاری محاکمه اعدام شوند.^{۱۱} عده‌ای از

9. Robert Cryer, *Prosecuting International Crimes: Selectivity and the International Criminal Law Regime* (New York: Cambridge University Press, 2005), First Published, 17.

10. William A. Schabas "a", "Prosecuting Genocide," in *The Historiography of Genocide*, ed. Dan stone, (London: Palgrave Mcmillan, 2008), 255.

11. Weiping Sun and Mingcang Zhang, *The New Culture: from a Modern Perspective* (Berlin: Springer, 2015), 74.

دولت‌مردان آمریکا نیز بر این امر پافشاری می‌کردند.^{۱۲} سرانجام در ۱۸ اوت ۱۹۴۵ دولت‌های آمریکا، انگلستان، فرانسه و شوروی مبادرت به امضای قراردادی در لندن کردند که در آن موافقت شده بود یک دادگاه نظامی بین‌المللی برای محاکمه جنایتکاران جنگ تشکیل شود. در زمینه حقوق متهم، دولت‌های تشکیل‌دهنده دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو بر طبق قوانین داخلی خود، مبادرت به تنظیم مقرراتی در اساسنامه نمودند. اما با توجه به کنترل دادگاه توکیو توسط مقامات آمریکایی، قوانین داخلی این کشور، سهم بیشتری را به خود اختصاص داده بودند. اما در زمینه حقوق قابل اجرا نسبت به جرایم ارتكابی یعنی قواعد عرفی حقوق بین‌الملل یا اصول حقوق کیفری بین‌المللی یا اصول حقوق کیفری در نظام‌های عمده جهان، قضات دادگاه نورنبرگ در پاسخ به متهمینی که اظهار می‌داشتند چه در زمینه داخلی و چه بین‌المللی، اصلی وجود دارد که به موجب آن، تحمیل مجازات بدون وجود قانون قبلی، امکان‌پذیر نیست و جنگ تعرضی نیز که به عنوان یکی از اتهامات مطرح‌گردیده در زمان جنگ جرم تلقی نمی‌شده است، به این نکته اشاره نمودند که ممنوع بودن جنگ تعرضی از مدت‌ها قبل از جنگ به رسمیت شناخته شده و حتی اگر چنین قوانینی وجود نمی‌داشت، متهمین باید می‌دانستند آنچه را که انجام می‌دهند برخلاف حقوق بین‌الملل است.^{۱۳} قضات دادگاه توکیو نیز با استدلال مشابهی، اعتراض متهمین نسبت به صلاحیت دادگاه را رد کردند.^{۱۴} در آن زمان مجازات اعدام، یک موضوع کاملاً شناخته‌شده در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شد. به همین دلیل، اعتراض متهمین صرفاً حول محور قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری مطرح گردید و اعتراضی به پیش‌بینی مجازات اعدام در اساسنامه دادگاه‌های مزبور صورت نپذیرفت.

قضات دادگاه نورنبرگ که توسط چهار قدرت اصلی جنگ منصوب شده بودند بر طبق ماده ۱۶ اساسنامه صلاحیت داشتند که به جنایات علیه صلح، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت رسیدگی کنند. همچنین هریک از چهار دولت امضاءکننده قرارداد لندن برای جمع‌آوری دلایل اتهام موظف بودند یک دادستان انتخاب کنند. دادستان‌ها که بر طبق ماده

12. John F Murphy, "Norms of Criminal Procedure at the International Military Tribunal," in *The Nuremberg Trial and International Law*, ed. George Ginsburgs and V.N kudriavtsev, (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 1990), 62.

13. William A Schabas "b", "Perverse Effects of the Nulla Poena Principle: National Practice and the Ad Hoc Tribunals," *European Journal of International Law* 11 (2000), 523.

14. Machteld Boot, *Nullem Crimen Sine Lege and the Subject Matter Jurisdiction of the International Court: Genocide, Crimes against Humanity and War Crimes* (Cambridge: Intersentia, 2001), 199.

۱۴ اساسنامه باید به صورت یک کمیسیون عمل می‌کردند علیه ۲۴ نفر کیفرخواست صادر کردند. با توجه به خودکشی یکی از متهمین و بیماری متهم دیگر، بیست و دو نفر مورد محاکمه قرار گرفتند که از میان آنان، سه نفر تبرئه، دوازده نفر به اعدام، سه نفر به حبس ابد و چهار نفر به حبس‌های از ده تا بیست سال محکوم شدند.^{۱۵} هیچ متهمی در نورنبرگ برای اتهام جنایت علیه صلح به اعدام محکوم نشد. رودلف هس تنها کسی بود که اتهام وی جنایت علیه صلح بود ولی از اتهامات جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی تبرئه و به حبس ابد محکوم گردید. در واقع همان‌گونه که برخی نیز معتقدند، حبس نزد قضات دادگاه نورنبرگ به عنوان یک کیفر فرعی تلقی می‌گردید.^{۱۶}

با توجه به اینکه آلمان توسط متفقین به صورت مشترک اشغال شده بود، لذا یک شورای نظارتی برای اداره آن کشور تشکیل شد. مطابق با قانون شماره ۱۰ این شورا، دادگاه‌های نظامی توسط متفقین برای محاکمه جنایتکاران جنگی تشکیل شد که پس از پایان کار دادگاه نورنبرگ به محاکمه متهمین مبادرت ورزیدند. دادگاه‌های نظامی ایالات متحده در شهر نورنبرگ، ۱۲ محاکمه برگزار کردند و از ۱۴۲ متهم، ۲۵ نفر به مجازات اعدام محکوم شدند.^{۱۷} در یکی از پرونده‌های مطروحه، دادگاه اعلام کرد که مجازات اعدام، یک امر کاملاً موجه تلقی شده و نمی‌توان اجرای چنین مجازاتی را در قبال نادیده گرفتن مقررات جنگ، جنایتی علیه بشریت محسوب نمود.^{۱۸} همان‌گونه که در مقدمه به آن اشاره گردید، در زمان برگزاری محاکمات دادگاه نورنبرگ، برخی از کشورها مجازات اعدام را در قانون ملی خود ملغی اعلام کرده بودند. به همین دلیل، اظهار نظر دادگاه را می‌توان پاسخی در برابر مخالفان مجازات اعدام تلقی نمود. به این معنا که رفتار متهمین در عرف حقوق بین‌الملل به عنوان جنایت در نظر گرفته شده و در نتیجه، پاسخ جامعه جهانی به صورت اعدام در قبال چنین جنایاتی نمی‌تواند غیرموجه تلقی گردیده و مشابه با رفتار متهمین به عنوان یک جنایت محسوب شود. همچنین دادگاهی در نروژ در پاسخ به متهمی که در دفاع از خود، نسخ مجازات اعدام را

15. Matthew Parish, *Mirages of International Justice: The Elusive Pursuit of a Transnational Legal Order* (Cheltenham: Edward Elgar Publishing, 2011), 86.

۱۶. بهزاد رضوی فرد، «کارآمدی و ناکارآمدی کیفر حبس در حقوق بین‌الملل کیفری»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری ۱ (۱۳۹۱)، ۱۸۲.

17. Kevin Jon Heller, *The Nuremberg Military Tribunals and the Origins of International Criminal Law* (Oxford: Oxford University Press, 2011), First Published, 2.

18. William A Schabas, *The Abolition of the Death Penalty in International Law* (New York: Cambridge University Press, 2002), 3rd Ed, 239.

در این کشور دلیلی بر عدم محکومیت وی به مجازات اعدام مطرح کرده بود اعلام کرد که مجازات اعدام برای جرایم جنگی در حقوق بین‌الملل امر شناخته‌شده‌ای است هرچند بر اساس قانون کیفری نروژ قابل اعمال نباشد.^{۱۹} در واقع، اگر فردی مرتکب جنایات تحت شمول حقوق بین‌الملل شده و در هر کشوری دستگیر و محاکمه شود، امکان اجرای مجازات اعدام نسبت به نامبرده وجود خواهد داشت ولو اینکه قانون کشور محاکمه‌کننده، مجازات اعدام را از قوانین کیفری خود حذف کرده باشد. به عبارت دیگر، از نظر دادگاه ملی نروژ در اینگونه موارد، آنچه که در عرف بین‌الملل وجود دارد همچنان توسط کشورها قابل اجراست. به عبارت دیگر، لغو مجازات اعدام برای جرایم عادی در قانون داخلی باعث بسته شدن دست دادگاه در اجرای چنین مجازاتی نسبت به جرایم با وصف بین‌المللی نمی‌شود.

متعاقب تشکیل دادگاه نظامی نورنبرگ، بر اساس اعلامیه ۱۹۴۵ پوتسدام که از طرف دولت‌های آمریکا، چین، انگلستان و شوروی صادر گردیده و در آن مجازات جنایتکاران ژاپنی پیش‌بینی شده بود، ژنرال مک آرتور فرمانده عالی متفقین در خاور دور در ژانویه ۱۹۴۶ با صدور اعلامیه‌ای یک‌جانبه، دادگاه نظامی بین‌المللی توکیو را به وجود آورد.^{۲۰} صلاحیت رسیدگی به جرایم علیه صلح و مقررات جنگ و جرایم علیه بشریت به یازده قاضی که از یازده کشور مختلف توسط مک آرتور منصوب شده بودند، واگذار گردید. دادگاه از بیست و هشت متهمی که علیه آنان کیفرخواست صادر شده بود، بیست و پنج نفر را محاکمه کرد که از این تعداد، هفت نفر به اعدام، شانزده نفر به حبس ابد و دو نفر به حبس‌های کوتاه‌مدت محکوم گردیدند.^{۲۱} با توجه به اظهارات رئیس دادگاه توکیو به این نکته می‌توان پی برد که نامبرده موافقت چندانی با مجازات اعدام نداشته است؛ زیرا اعلام کرد مجازات حبس ابد تحت شرایط سخت در مناطقی دورافتاده و خارج از ژاپن، بازدارندگی بیشتری در مقایسه با مجازات اعدام می‌تواند در پی داشته باشد.^{۲۲} بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود در زمان تشکیل این دادگاه بین‌المللی و به رغم اتهامات سنگینی که متوجه متهمین بود، دیدگاه‌هایی که می‌توان آن را به نوعی تلفیقی از حقوق بشر و سزادهی دانست وجود داشت.

-
19. William A Schabas "c", *Genocide in International Law: The Crimes of Crimes* (New York: Cambridge University Press, 2000), First Published, 394.
 20. Steven R Ratner and Jason S. Abrams, *Accountability Human Rights Atrocities in International Law: beyond the Nuremberg Legacy* (New York: Oxford University Press, 2001), 2nd Ed, 188.
 21. William A Schabas "d", "International Sentencing: from Leipzig to Arusha," in *International Criminal Law*, ed. M. cherif Bassiouni, VOL III: International Enforcement, 3rd Ed (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2008), 615.
 22. *Ibid*, 616.

با توجه به آنچه که در مقدمه بدان اشاره گردید، دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو زمانی تأسیس شدند که نه تنها، اسناد بین‌المللی در زمینه پذیرش حق حیات به تصویب جامعه جهانی نرسیده بود، بلکه جنایات ارتكابی در زمان جنگ دوم جهانی تا آن حد باعث جریحه‌دار شدن احساسات بشری شده بود که مجازات اعدام می‌توانست به عنوان حداقلی برای تسکین آلام به وجود آمده در نظر گرفته شود. این در حالی است که دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا زمانی تأسیس شدند که مدت زمان طولانی از تصویب اسناد بین‌المللی حقوق بشر در سطح منطقه‌ای و جهانی می‌گذشت.

۱-۲- دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا

۱-۲-۱- یوگسلاوی

قریب به پنجاه سال پس از تشکیل اولین دادگاه بین‌المللی و زمانی که پیشرفت‌های گسترده‌ای در نظام حقوق بشر حاصل شده بود، به دنبال جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق، شورای امنیت سازمان ملل موافقت خود را با طرح تشکیل دادگاهی برای محاکمه مسؤولین نقض جدی حقوق بشردوستانه در یوگسلاوی اعلام کرد. متعاقباً دبیرکل سازمان ملل، گزارش خود را به ضمیمه پیش‌نویس اساسنامه دادگاه به شورای امنیت تقدیم کرد. بدین‌سان در ۲۵ می ۱۹۹۳، شورای امنیت به اتفاق آراء با صدور قطعنامه ۸۲۷، دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی را به وجود آورد. اساسنامه پیشنهادی دبیرکل سازمان ملل نیز بدون اصلاح پذیرفته شد.

ملاحظات زیادی چند باعث گردید که تأسیس دادگاه مزبور از طریق شورای امنیت صورت پذیرد. اولین نکته آن بود که استناد به فصل هفتم منشور ملل متحد، امکان تشکیل سریع دادگاه را فراهم آورده و جامعه بین‌المللی می‌توانست در اسرع وقت، محاکمه متهمین را آغاز نماید و نکته دوم اینکه ایجاد یک دادگاه بین‌المللی توسط شورای امنیت، کلیه دولت‌های عضو سازمان ملل را ملزم به همکاری با دادگاه می‌ساخت.

در حالی که اگر تشکیل دادگاه از طریق معاهده، صورت خارجی به خود می‌گرفت فقط کشورهای امضاءکننده به آن ملزم می‌شدند. هر چند برخی معتقدند، شورای امنیت با این اقدام فراتر از چارچوب اختیارات قانونی خود در منشور ملل متحد عمل کرده است^{۲۳} اما در پاسخ

23. Antonio Cassese, "From Nuremberg to Rome: International Military Tribunals to the International Criminal Court," in *The Rome Statute of the International Criminal Court: A*



باید به این نکته اشاره کرد که به موجب ماده ۲۴ منشور، مسؤولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به شورای امنیت واگذار شده و این شورا در قطعنامه ۸۰۸ بحران یوگسلاوی را تهدیدی علیه امنیت بین‌المللی اعلام نموده است.^{۲۴} به همین دلیل، می‌توان بر این اعتقاد بود که تشکیل دادگاه در راستای وظایف این شورا صورت پذیرفته است.

ماده ۲۴ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی، مجازات را محدود به حبس کرده است و قضات دادگاه باید در تعیین مدت حبس به رویه غالب در دادگاه‌های یوگسلاوی سابق مراجعه نمایند. برخی معتقدند، علت این موضوع را در این نکته می‌توان جستجو کرد که متهمین نتوانند اظهار نمایند قانونی قبل از رفتار ارتكابی آنان وجود نداشته است.^{۲۵} به نظر می‌رسد حتی در صورتی که متهمین چنین ایرادی را مطرح می‌کردند و به فرض آنکه در ماده ۲۴ نیز چنین مقرره‌ای پیش‌بینی نمی‌گردید، با توجه به اینکه جنایات ارتكابی در قلمرو یوگسلاوی سابق تحت حاکمیت قواعد عرفی حقوق بین‌الملل قرار داشتند چنین ایرادی توسط دادگاه مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت. ذکر این نکته نیز ضروری است که به رغم عدم پیش‌بینی مجازات حبس ابد در قانون کیفری کشور یوگسلاوی، ماده ۱۰۱ آیین دادرسی دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی این مجازات را مقرر نموده است. همچنین بر اساس نظر دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی، جامعه جهانی به عنوان یک اصل کلی حقوقی شناخته شده این نکته را مورد پذیرش قرار داده است که مجازات‌های شدیدی در قبال جنایات بین‌المللی قابل اعمال است و متهمینی که در این دادگاه محاکمه می‌شوند نمی‌توانند ادعا نمایند در زمان ارتكاب جرایم به ماهیت کیفری رفتار خود و شدت مجازات‌هایی که باید نسبت به آنها اجرا شود، آگاه نبوده‌اند.^{۲۶}

در طول سالیان پس از جنگ دوم جهانی همان گونه که در مقدمه بدان اشاره گردید سازمان ملل تلاش فراوانی در جهت نسخ مجازات اعدام به عمل آورده است. به همین دلیل، شورای امنیت که از ارکان سازمان ملل به شمار می‌رود نمی‌تواند این تلاش‌ها را نادیده بگیرد

Commentary, ed. Antonio Cassese and Paola Gaeta and John R.W.D. Jones, VOL I, (New York: Oxford University Press, 2002), 14.

24. David Hirsh, *Law against Genocide: Cosmopolitan Trials* (London: Glasshouse, 2003), First Published, 73.
25. Vojin Dimitrijevic and Marko Milanovic, "Human Rights before International Criminal Courts," in *Human Rights Law: from Dissemination to Application*, ed. Jonas Grimheden and Rolf Ring (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2006), 156.
26. Mohamed Elewa Badar and Noelle Higgins, "General Principles of Law in the Early Jurisprudence of the Icc," in *The International Criminal Court in Search of its Purpose and Identity*, ed. Triestino Marinello, First Published (New York: Routledge, 2015), 272.

و در همین راستاست که اساسنامه پیشنهادی دبیرکل سازمان را که در آن اثری از مجازات اعدام مشاهده نمی‌شود، مورد تأیید قرار داده و اعلام می‌نماید که تأسیس این دادگاه سهم بسزایی در توقف خشونت‌ها ایفاء می‌کند.^{۲۷} از جمله اخیرالذکر این نکته را می‌توان استنباط نمود که این شورا اهمیت بالنسبه بیشتری برای فایده‌گرایی تا سزادهی مجازات قائل شده است. توضیح اینکه در توجیه مجازات اعدام، استحقاق مرتکب به دلیل میزان صدمه وارده به جامعه و نیز بازدارنده بودن این مجازات مورد تأکید قرار گرفته است.^{۲۸} به عبارت دیگر، در این اندیشه، مبنای واکنش همانا مکافات دادن مرتکب با نگاه به گذشته و ملاحظه رفتار مجرمانه ارتكابی است.^{۲۹} اما بی‌توجهی به مقوله اصلاح و بازپروری مجرم^{۳۰} و نیز بیگانه بودن این دیدگاه با عدالت ترمیمی و برقراری آشتی میان بزهکار با بزه‌دیده که نقش مؤثری در مسیر تحقق عدالت کیفری محسوب می‌شود از ایرادات وارده به نظریه بازدارندگی محسوب می‌شوند. به همین دلیل، در زمینه استفاده از مجازات باید به افق‌های پیش رو نیز نگریست؛ به این معنا که نه‌تنها ارباب‌انگیزی، بلکه بازسازی مجرم نیز باید مدنظر قرار گیرد که به نوبه خود بتواند نسبت به ایجاد توازن میان منافع بزه‌دیده و جامعه با بزهکار، نقش مؤثری ایفاء نماید.

هرچند پیش‌بینی مجازات حبس ابد در آیین دادرسی دادگاه بین‌المللی برای یوگسلاوی بیانگر توجه به سزادهی نیز می‌باشد اما این موضوع نشان می‌دهد که طراحان اساسنامه بازدارندگی بیشتری برای حبس ابد تا اعدام قائل شده‌اند. همچنین دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی یکی از اهداف اساسی در اعمال مجازات را برچسب‌زنی به مرتکبین اعلام کرده است که به ارزش‌های بنیادین جامعه جهانی لطمه وارد کرده‌اند.^{۳۱} در ماده ۲۴ اساسنامه این دادگاه نیز آمده است قضاات در هنگام تعیین مجازات برای مرتکب، هم شدت جرم و هم

27. Sarah Williams, "The Completion Strategy of the Icty and Ictr," in *International Criminal Justice: A Critical Analysis of Institutions and Procedures*, ed. Michael Bohlander, (London: Cameron May Ltd, 2007), 153.

۲۸. مسعود کاظمی، «تأثیر مجازات اعدام بر بازدارندگی از جرایم مواد مخدر و روان گردان»، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد ۴ (۱۳۹۳)، ۱۰۴.

۲۹. فیروز محمودی جانکی و سارا آقایی، «بررسی نظریه بازدارندگی مجازات»، فصلنامه حقوق ۲ (۱۳۸۷)، ۳۴۱.

۳۰. جان رالز، «دو مفهوم از قواعد»، در تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، ترجمه محمدعلی اردبیلی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲)، ویرایش دوم، ۸۴۴.

31. William A Schabas, *An Introduction to the International Criminal Court* (Cambridge: Cambridge University Press, 2007), 3rd Ed, 315.

شخصیت مجرم را باید مدنظر قرار دهند. بدین ترتیب، از مجموع موارد مطروحه مشخص می‌گردد صرفاً جرایم ارتكابی، مدنظر طراحان اساسنامه و تصویب کنندگان آن قرار نداشته است.

۱-۲-۲- رواندا

پس از یک سال از تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی در واکنش به نقض‌های شدید حقوق بشر در استان در قلمرو رواندا، شورای امنیت در ۸ نوامبر ۱۹۹۴ و به موجب قطعنامه ۹۵۵ مبادرت به تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا کرد. در اساسنامه پیشنهادی این دادگاه مجدداً مجازات اعدام پیش‌بینی نشده است. در زمان تصویب قطعنامه نیز نیوزیلند به عنوان عضو غیردائم شورای امنیت اعلام کرد در مسیر پیشرفت یک جامعه متمدن، اعتقاد به چشم در برابر چشم و انتقام‌جویی جایگاهی نمی‌تواند داشته باشد و در این خصوص تفاوتی نمی‌کند که چه جرایمی رخ داده‌اند.^{۳۲}

در آن زمان چین به عنوان عضو دائم شورای امنیت به این قطعنامه، رأی ممتنع و دولت رواندا به عنوان عضو غیردائم رأی منفی داد. عدم پیش‌بینی مجازات اعدام در اساسنامه دادگاه، یکی از مهم‌ترین علل مخالفت دولت رواندا بود.

نماینده این کشور در شورای امنیت اظهار داشت، عدم پیش‌بینی چنین مجازاتی باعث ایجاد یک نوع بی‌عدالتی میان مرتکبین جنایات خواهد شد؛ زیرا در کشور متبوع وی، مجازات اعدام همچنان برای قتل عمد وجود دارد و با توجه به اینکه دادگاه بین‌المللی، عمدتاً اشخاصی را که محرک جرایمی چون نسل‌کشی بوده‌اند مورد محاکمه قرار می‌دهد نتیجه، آن خواهد شد که مسببین اصلی جنایات به حبس و مجریان آن که در رواندا به سر می‌برند به اعدام محکوم خواهند شد. وضعیتی که برای حصول به آشتی ملی امری سازنده محسوب نمی‌شود.^{۳۳} اما برخلاف استدلال دولت رواندا در شورای امنیت، این سؤال مطرح می‌شود که آیا همان‌گونه که در مورد دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی نیز مطرح گردید، سازمان ملل که به دنبال نسخ مجازات اعدام است می‌تواند در یک سند بین‌المللی، آن را به عنوان یک مجازات قابل پذیرش معرفی کرده و بدینوسیله سایر دولت‌های عضو سازمان ملل را به

32. William A Schabas "e", *War Crimes and Human Rights: Essays on the Death Penalty, Justice and Accountability* (London: Cameron May Ltd, 2008), 237.

33. Yvonne Dutton, *Rules, Politics and the International Criminal Court* (New York: Routledge, 2013), First Published, 125.

صورت ضمنی تشویق به حفظ مجازات اعدام در قوانین داخلی آنها نماید؟ از طرف دیگر، آیا اجرای این مجازات، دستیابی به هدف آشتی ملی در یک کشور آشوب‌زده را با مانع مواجه نخواهد کرد؟ آنچه که به آن اشاره شد، به عنوان یک هدف، به صراحت در قطعنامه شورای امنیت، هنگام تأسیس این دادگاه بین‌المللی به وضوح قابل مشاهده است.^{۳۴} بدین‌سان، هرچند مجازات اعدام از دیدگاه سزاگرایانه می‌تواند موجه جلوه کند، اما از دیدگاه فایده‌گرایی نمی‌توان ادعا کرد مجازات اعدام اثر به مراتب بیشتری نسبت به مجازات حبس طولانی مدت بر جای خواهد گذاشت. بدیهی است طراحان اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا این نکته را مدنظر داشته‌اند که انتقام‌جویی به صورت مجازات اعدام نمی‌تواند باعث توقف خشونت در رواندا شود.

با توجه به آنچه که در سطور پیشین نیز مطرح گردید، هرچند مجازات اعدام در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا وجود ندارد و حداکثر مجازات پیش‌بینی شده حبس ابد است، اما در همین وضعیت نیز متهمین نمی‌توانند ادعا نمایند که نسبت به جرایم ارتكابی آنان، قانونی از قبل وجود نداشته است و چنین ادعایی تأثیری در اجرای مجازات نسبت به آنان نخواهد گذاشت. در این راستا مقرراتی در زمینه حقوق قابل اجرا در اساسنامه این دادگاه‌ها پیش‌بینی نشده و این نقص از طریق رویه قضایی جبران شده است. به عنوان مثال دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی بر این اعتقاد است که اگر اساسنامه، حکم موضوع خاصی را پیش‌بینی نکرده باشد دادگاه مکلف است در خصوص آن موضوع به قواعد عرفی حقوق بین‌الملل مراجعه نماید.^{۳۵} همچنین بر اساس نظر این دادگاه در صورتی که قواعد عرفی حقوق بین‌الملل نتوانند در حل یک قضیه خاص مثمر واقع شوند دادگاه باید به اصول حقوق کیفری بین‌المللی یا اصول کلی حقوق بین‌الملل مراجعه نماید و اگر این اصول نیز کمکی به حل قضیه نکرده باشند باید به منابع فرعی که اصول کلی حقوق کیفری در نظام‌های عمده جهان هستند، توسل جوید.^{۳۶} دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا نیز در همین راستا قواعد عرفی حقوق بین‌الملل را بر جرایم تحت صلاحیت خود حاکم دانسته

34. Christof Heyns, *Human Rights Law in Africa 1998* (The Hague: Kluwer Law International, 2001), 42.

35. Beatrice Bonafe and Paolo Palchetti, "Relying on General Principles in International Law," in *Theory and Practice of International Lawmaking*, ed. Catherine Brolmann and Yannick Radi (Cheltenham: Edward Elgar Publishing, 2016), 171.

36. Pegoriev Clotilde, "Denial, Impunity and Transitional Justice: The Fate of Female Rape Victims in Bosnia and Herzegovina," in *Women and Transitional Justice: The Experience of Women as Participants*, ed. Lisa Yarwood, First Published (New York: Routledge, 2013), 124.

است^{۳۷}. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود برخلاف دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو که با استناد به عرف حقوق بین‌الملل، مجازات اعدام را امری موجه تلقی می‌کردند، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا با توجه به اسناد بین‌المللی حقوق بشر از پذیرش آن خودداری کرده‌اند.

در انتها، ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که به ترتیب در بند ۱ مواد ۱۰ و ۹ از اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا: «هیچ‌کس را نمی‌توان برای اعمالی که نقض‌های حقوق بشردوستانه بین‌المللی را بر طبق اساسنامه تشکیل می‌دهند و سابقاً توسط دادگاه بین‌المللی محاکمه گردیده، مجدداً در یک محکمه ملی محاکمه نمود». بدیهی است واژه محاکمه به معنای بررسی ادله توسط دادگاه و صدور حکم اعم از تبرئه و محکومیت است. همچنین با توجه به واژه «اعمال» در بند مزبور، پس از صدور حکم در دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، امکان تحت محاکمه قرار گرفتن مجدد به لحاظ همان اعمال ولی با توصیف دیگر در دادگاه‌های ملی وجود ندارد. بنابراین متهم را نمی‌توان یکبار در دادگاه بین‌المللی به اتهام نسل‌کشی و بار دیگر در محکمه ملی به اتهام قتل عمد محاکمه نمود؛ زیرا رکن مادی هر دو اتهام یکسان است. در نتیجه، حتی اگر مجازات اعدام در قبال جنایات بین‌المللی در یک محکمه ملی به رسمیت شناخته شده باشد، امکان محاکمه مجدد و اجرای مجازات اعدام وجود ندارد. ضمانت اجرای تخلف از این مورد در ماده ۱۳ از آیین دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا به این صورت در نظر گرفته شده که اگر محکمه ملی مبادرت به محاکمه مجدد نماید، رئیس دادگاه کیفری بین‌المللی با صدور قرار از دولت مزبور درخواست توقف رسیدگی‌ها را کرده و در صورت عدم پذیرش درخواست، موضوع را به شورای امنیت گزارش خواهد کرد.

به دنبال تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا، جهان شاهد تشکیل دادگاهی دائمی است که تبلور سوابق و تجارب دادگاه‌های پیش از خود است. اندیشه تأسیس چنین دادگاهی سالیان متمادی وجود داشته است.

۲- دیوان کیفری بین‌المللی

به عنوان اولین اقدام مؤثر، سازمان ملل با تصویب کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت

37. Moir Lingsay, "Towards the Unification of International Law?," in *International Conflict and Security Law*, ed. Richard Burchill and Nigel D. White and Justin Morris, First Published (Cambridge: Cambridge University Press, 2005), 115.

نسل‌کشی در ۱۹۴۸ بر محاکمه مرتکبین این جنایت توسط یک دادگاه کیفری بین‌المللی تصریح نمود. این کنوانسیون در ۱۹۵۱ به مورد اجرا گذاشته شد و در آن مقرر شده بود که هر کشوری با توجه به سیستم حقوقی حاکم بر آن، مجازات مؤثری را برای این جنایات در نظر بگیرد.^{۳۸} از عبارات مندرج در کنوانسیون و عدم پیش‌بینی مجازاتی خاص، می‌توان اینگونه استنباط نمود که اجرای مجازات اعدام نسبت به مرتکبین این جنایت امکان‌پذیر می‌باشد.

در همان سال، مجمع عمومی سازمان ملل از کمیسیون حقوق بین‌الملل خواست تا امکان تهیه سندی در زمینه جنایات بین‌المللی را بررسی نماید. کمیسیون در طرح پیشنهادی خود تحت عنوان جرایم علیه صلح و امنیت بشری اینگونه مقرر کرده بود که مجازات با توجه به شدت جرم باید توسط دادگاهی که صلاحیت خود را نسبت به متهمین اعمال می‌کند تعیین شود.^{۳۹} هرچند متن پیشنهادی از پذیرش یا مستثنا بودن مجازات اعدام سخنی به میان نیاورده بود اما با توجه به زمان تهیه پیش‌نویس که اکثریت کشورهای جهان، مجازات اعدام را در قوانین داخلی خود حفظ کرده بودند به سختی می‌توان مستثنا بودن آن را مورد تأیید قرار داد. به موازات این اقدام، مجمع عمومی سازمان ملل، کمیته‌ای را مأمور ارائه پیش‌نویسی راجع به تأسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی کرد. در طرح ارائه‌شده توسط این کمیته بدون اینکه نامی از مجازات اعدام مطرح شود آمده بود که چنین دادگاهی می‌تواند مجازاتی را که متناسب با جرایم است در نظر بگیرد.^{۴۰}

پس از گذشت سی سال، کمیسیون حقوق بین‌الملل این بار در طرح راجع به کنوانسیون جرایم علیه صلح و امنیت بشری، پیشنهاد حذف مجازات اعدام را ارائه کرد. نسبت به طرح پیشنهادی از طرف دولت‌های مختلف، نظرات متعددی مبنی بر حذف و ابقای مجازات اعدام مطرح شد. برخی از دولت‌ها در این خصوص اعلام کردند اگر بنا باشد اعدام به عنوان یکی از مجازات‌ها در طرح پیش‌بینی شود، کشورهایی که اعدام را در قانون کیفری و به ویژه قانون اساسی خود حذف کرده‌اند تمایلی به امضای این سند از خود نشان نخواهند داد.^{۴۱}

در همین زمان که طرح فوق‌الذکر در حال بررسی بود، کمیسیون حقوق بین‌الملل مشغول

38. Cecilia Medina Quiroga, *The Battle of Human Rights: Gross, Systematic Violations and Inter-American System* (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 1988), 1.

39. William A Schabas, "The Right to Fair Trial," in *Essays on the Rome Statute of the International Criminal Court*, Flavia Lattanzi and William A Schabas, VOL II (Fagnano Alto: Ilsirente, 2003), 260.

40. Ilias Bantekas and Susan Nash, *International Criminal Law* (New York: Routledge, 2007), First Published, 535.

41. M. Cherif Bassiouni, *Crimes against Humanity: Historical Evolution and Contemporary Application* (Cambridge: Cambridge University Press, 2011), First Published, 346.

تهیه طرحی برای اساسنامه یک دادگاه کیفری بین‌المللی به درخواست مجمع عمومی بود. طرحی که حذف مجازات اعدام به صراحت در آن پیش‌بینی شده بود.

در سال ۱۹۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل یک کمیته موقت و سپس در سال ۱۹۹۵ یک کمیته مقدماتی را مأمور تهیه پیش‌نویس اساسنامه دادگاهی دائمی کرد. در ۱۹۹۷ کمیته مقدماتی، کارگروهی را به ریاست هیئت نمایندگی نروژ موظف کرد مجازات‌هایی را که درج آن در اساسنامه متناسب با جنایات بین‌المللی باشد مورد بررسی قرار دهد. پیشنهاد کارگروه مزبور حبس از ۲۵ سال تا ابد بود^{۴۲}. این پیشنهاد در کنفرانس دیپلماتیک رم که از ۱۵ ژوئن تا ۱۷ جولای ۱۹۹۸ به طول انجامید مورد بررسی و تبادل نظر کشورهای حاضر در این کنفرانس قرار گرفت.

در ۳ جولای ۱۹۹۸ گروهی از کشورهای مسلمان، بیانیه‌ای صادر کردند که به موجب آن دیوان کیفری بین‌المللی باید مجازات‌های مندرج در قانون کشوری را که جنایات بین‌المللی در آن رخ داده اعمال نماید. در همان روز کشورهای حوزه کارائیب نیز متنی منتشر کردند که در آن به صراحت، مجازات اعدام پیش‌بینی شده بود. نماینده دولت ترینیداد و توباگو نیز اعلام کرد صرفاً به این دلیل که کنفرانس رم به سرانجام برسد با اساسنامه پیشنهادی مخالفت نمی‌کند اما بر این نکته پافشاری نمود که مجازات اعدام نمی‌تواند یک موضوع حقوق بشری تلقی شود^{۴۳}.

بیانیه صادره توسط نمایندگان کشورهای مسلمان حاضر در کنفرانس رم مبتنی بر این نکته که دیوان کیفری بین‌المللی، مجازات‌های موجود در قوانین مناطق آشوب‌زده جهان را اعمال نماید به صورت ضمنی بیانگر این نکته است که اعدام می‌تواند یکی از انواع مجازات‌هایی باشد که در مورد مرتکبین اجرا گردد. اما بدیهی است این امر نیز بستگی به این نکته خواهد داشت که جنایات ارتكابی در کشوری رخ دهد که تحت تأثیر حقوق بشر، مجازات اعدام را در قانون ملی خود حذف کرده باشد یا خیر. به عبارت دیگر، کشورهای مزبور صرفاً به دلیل قوانین داخلی خود که اعدام را در زمره مجازات‌های قابل اجرا معرفی کرده بود و نه مخالفت با موازین حقوق بشر در زمینه حذف مجازات اعدام، چنین بیانیه‌ای را صادر کردند. صرف نظر از آنچه که مطرح گردید، نکات دیگری در این راستا قابل ذکر هستند.

42. William A Schabas, *The Abolition of the Death Penalty in International Law* (Cambridge: Cambridge University Press, 2002), 3rd Ed, 252.

43. *Ibid*, 257.

نخست اینکه تلاش برای حذف مجازات اعدام چند دهه قبل از تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در دستور کار سازمان ملل، شورای اروپا و کشورهای آمریکایی قرار گرفته و اسنادی نیز که سابقاً بدان اشاره گردید تصویب شده بودند. بدین ترتیب، برخلاف نظر نماینده تربینداد و توباگو نمی‌توان قائل شد که مجازات اعدام حداقل از دیدگاه جهانی در قلمرو حقوق بشر قرار نمی‌گیرد. نکته دوم این است که کشورهای مخالف حذف اعدام در کنفرانس رم در مقایسه با کشورهایی که خواهان ممنوعیت مجازات اعدام بودند تعداد به مراتب کمتری را تشکیل می‌دادند. به همین دلیل، اگر بنا می‌بود پیشنهاد این دسته از کشورها مورد توجه قرار گیرد بسیاری از کشورهایی که مجازات اعدام را تحت تأثیر اسناد حقوق بشری در قوانین داخلی خود حذف کرده بودند، این سند بین‌المللی را امضاء نکرده و روند تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی متوقف می‌گردید و نکته انتهایی اینکه در اساسنامه مقرر شده است که این دیوان دارای صلاحیت تکمیلی است. بدین معنا که صلاحیت اصلی با محاکم ملی است و تنها زمانی امکان رسیدگی بین‌المللی وجود دارد که محاکم ملی قادر یا مایل به رسیدگی نباشند. همچنین به رغم وجود صلاحیت تکمیلی، امکان محاکمه فردی که سابقاً در دیوان کیفری بین‌المللی محاکمه شده است، وجود دارد. در بند ۲ ماده ۲۰ اساسنامه آمده است «هیچ‌کس را نمی‌توان برای جرایم مندرج در ماده ۵ اساسنامه که سابقاً به واسطه آنها در دیوان محکوم یا تبرئه شده است، در محکمه دیگر محاکمه نمود». با توجه به اینکه در این بند از واژه جرم و نه رفتار سخن به میان آمده است، لذا این امر بدان معنا خواهد بود که اگر فردی در دیوان به اتهام نسل‌کشی تعقیب شده و محکومیت حاصل کرده باشد امکان محکومیت وی در محاکم ملی وجود دارد و به عنوان مثال ممکن است به اتهام قتل عمد تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرد. به همین دلیل، عدم پیش‌بینی مجازات اعدام در اساسنامه، هیچ‌گونه لطمه‌ای به صلاحیت دولتهایی که مجازات اعدام را در قوانین خود حفظ کرده‌اند، نمی‌زند. هرچند ذکر این نکته نیز ضروری است که شورای امنیت به استناد بند ۲ از ماده ۱۳ اساسنامه می‌تواند وضعیتی را که در آن یک یا چند جنایت ارتکاب یافته است، به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد به دادستان ارجاع نماید ولو آنکه وضعیت مزبور در ارتباط با کشوری باشد که اساسنامه را مورد پذیرش قرار نداده است. موضوعی که هرچند باعث خدشه‌دار شدن اصل رضایت این دسته از دولت‌ها می‌شود اما نهایتاً خدشه‌ای به قانون کیفری آنها و امکان محاکمه مجدد متهم بر اساس قانون ملی وارد نمی‌آورد.

ماده ۲۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، اساسنامه، قواعد دادرسی، معاهدات، اصول و

قواعد حقوق بین‌الملل و رویه قضایی را به عنوان حقوق قابل اجرا در این دادگاه معرفی کرده است. به رغم حذف واژه عرف از ماده ۲۱ که شاید علت آن را بتوان مخالفت عده‌ای از حقوقدانان دانست که به هنگام بررسی پیش‌نویس اساسنامه، استفاده از این واژه را برخلاف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها می‌دانستند^{۴۴}، اما به نظر می‌رسد منظور طراحان اساسنامه از معاهدات، آنهایی باشند که جنبه عرفی پیدا کرده‌اند. همچنین عبارت اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، به تنهایی بیانگر قواعد عرفی حقوق بین‌الملل است.

بر طبق بند ۳ از ماده ۲۱، تفاسیر دادگاه از حقوقی که در ماده مذکور پیش‌بینی شده است، نباید متناقض با حقوق بشر شناخته‌شده بین‌المللی باشد. بنابراین تفسیر دادگاه از حقوق متهم، مندرج در اساسنامه و قواعد دادرسی، از این قاعده مستثنا نیست. برخی با ذکر اسنادی همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر، معتقد هستند که تفسیر دادگاه نباید مغایرتی با اسناد مذکور داشته باشد^{۴۵}.

بدین ترتیب، در دادگاه کیفری بین‌المللی، نه تنها مجازات اعدام در اساسنامه پیش‌بینی نشده است، بلکه از تکلیف دیوان کیفری بین‌المللی به تبعیت از اسناد بین‌المللی حقوق بشر که در مقرر فوق‌الذکر مطرح گردیده نیز موضوعی جز عدم اجرای مجازات اعدام نسبت به مرتکبین جنایات بین‌المللی قابل استنباط نیست. در ماده ۷۷ از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مجازات‌های قابل اعمال به حبس تا حداکثر سی سال و نیز حبس ابد در صورتی که شدت جرم و اوضاع و احوال شخصی مرتکب آن را توجیه نماید محدود شده‌اند.

سرانجام اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به امضای ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور شرکت‌کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم رسید و از اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد. تا اکتبر ۲۰۱۷ تعداد کشورهای امضاءکننده اساسنامه به ۱۳۹ کشور و تعداد تصویب‌کنندگان به ۱۲۴ کشور افزایش یافته است.

نتیجه

یکی از مهم‌ترین وقایع قرن بیستم را بی‌تردید می‌توان تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی دانست. نقش این دادگاه‌ها در توسعه حقوق کیفری بین‌المللی و پیشگیری از جنایاتی که

44. Alain Pellet, "Applicable Law." in *The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary*, ed. Antonio Cassese and Paola Gaeta and John R.W.D.Jones, Vol.II. (Oxford: Oxford University Press, 2002), 1071.

45. Ibid, 1080.

موجب برانگیخته شدن احساسات جهانیان می‌شود غیر قابل انکار است. دادگاه‌های مذکور گاه بر اساس خواست تعداد معدودی از دولت‌ها، گاه توسط یک نهاد سیاسی و گاه به واسطه خواست اکثریت جامعه جهانی به وجود آمده‌اند. به همین دلیل در هر یک از آنها به رغم وجوه اشتراک، می‌توان ساختار و ویژگی‌هایی متفاوت از دیگری ملاحظه کرد.

بیش از هفتاد سال از تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نورنبرگ و توکیو که توسط متفقین و به منظور محاکمه جنایتکاران جنگ دوم جهانی ایجاد گردیدند سپری می‌شود. در اساسنامه دادگاه‌های مزبور اعدام به عنوان یکی از مجازات‌های قابل اعمال پیش‌بینی شده بود. علت این امر را نمی‌توان صرفاً به خواست جامعه جهانی در واکنش شدید به نسبت به محرکین و آمران جنایات ارتكابی منتسب دانست، بلکه علت اصلی را می‌توان در فقدان اسناد بین‌المللی راجع به موضوعی چون حق حیات جستجو کرد. به همین دلیل، با توجه به وجود مجازات اعدام در قوانین اکثریت کشورهای جهان و فقدان تضمینات بین‌المللی نمی‌توان دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو را مورد انتقاد قرار داد. اما به تدریج چه در سطح منطقه‌ای و چه جهانی اسنادی به تصویب رسیدند که به صراحت حق حیات را به عنوان یک حق ذاتی بشری مورد توجه قرار داده و نسخ مجازات اعدام را در زمان‌های صلح و جنگ به جهانیان اعلام کردند. همین امر باعث گردید که در زمان تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا و به تبعیت از اسناد حقوق بشری، مجازات اعدام در اساسنامه دادگاه‌های مزبور پیش‌بینی نشده و برای تعیین مجازات متناسب علاوه بر جرم به شخصیت مجرم نیز توجه شود.

تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز حاکی از توجه بیش از پیش جامعه بشری به حاکم کردن حقوق بشر بر مقوله‌ای به نام مجازات اعدام است. به گونه‌ای که فرهنگ و سنت‌های مختلف حاکم بر کشورها نمی‌تواند خللی به آن وارد سازد. واقعیت آن است که هدف سازمان ملل از تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا و نیز دولت‌های عضو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از ایجاد آن، اجرا و استقرار عدالت بین‌المللی و ایجاد صلح و آشتی در مناطق آشوب‌زده جهان است. به همین دلیل، نائل شدن به چنین اهدافی از طریق اجرای مجازات اعدام از دیدگاه طراحان اساسنامه دادگاه‌های مزبور امر بعیدی به نظر می‌رسیده است. اما همان‌گونه که مطرح گردید، مطابق بند ۲ ماده ۲۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، در صورت صدور حکم محکومیت نسبت به متهمین جرایم بین‌المللی در شعب دیوان، محاکم ملی مجاز به محاکمه مجدد این دسته از افراد بر اساس

همان جرایم نخواهند بود. در نتیجه، با توجه به درج واژه جرایم در مقرر مزبور، محاکم ملی می‌توانند رفتار ارتكابی را تحت توصیفی دیگر مورد محاکمه قرار دهند. به عنوان مثال، اگر محکومیت نخستین در دیوان، جنایت علیه بشریت باشد، امکان صدور حکم در محکمه ملی به عنوان قتل عمد وجود خواهد داشت. صرف نظر از اینکه چنین وضعیتی با قاعده حقوق بشری منع محاکمه مجدد مغایرت دارد، خطر محکومیت به اعدام را در کشورهای با مجازات مزبور به وجود آورده است. به این ترتیب، از یک سو دولت‌های عضو اساسنامه موافقت خود را با موازین حقوق بشری در زمینه عدم اجرای مجازات اعدام نسبت به متهمینی که در دیوان محاکمه می‌شوند، اعلام کرده و از سوی دیگر، با توجه به بند ۲ ماده ۲۰ این امکان برای آنها به وجود آمده که نسبت به همان اشخاص، مجازات اعدام را اجرا نمایند. با توجه به آنچه که مطرح گردید، مطابق ماده ۱۲۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که بازنگری در آن را مورد پذیرش قرار داده است، در راستای رفع نتایج نامطلوب مطروحه، پیشنهاد می‌شود واژه جرایم مندرج در بند ۲ تبدیل به رفتار شود. بدیهی است اصلاح مقررات به صورتی که مطرح گردید باعث می‌شود، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که به تأیید اکثریت کشورهای جهان رسیده است به عنوان الگویی شناخته‌شده در حمایت از اسناد بین‌المللی حقوق بشر در زمینه نسخ مجازات اعدام در نظر گرفته شود.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- آنسل، مارک. *اعدام*. ویرایش دوم. ترجمه مصطفی رحیمی. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۵۶.
- رالز، جان. «دو مفهوم از قواعد». در *تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)*، ترجمه محمدعلی اردبیلی، ویرایش دوم، ۸۵۳-۸۴۳. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
- رضوی فرد، بهزاد. «کارآمدی و ناکارآمدی کیفر حبس در حقوق بین‌الملل کیفری». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری* ۱ (۱۳۹۱): ۲۰۳-۱۸۱.
- کاظمی، مسعود. «تأثیر مجازات اعدام بر بازدارندگی از جرایم مواد مخدر و روان‌گردان». *فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد* ۴ (۱۳۹۳): ۱۱۸-۱۰۱.
- کربس، ژان ماری. *مروری بر تاریخ مجازات اعدام*. ترجمه رضا ناصحی. واشنگتن: بنیاد عبدالرحمن برومند، ۱۳۹۵.
- محمودی جانکی، فیروز، سارا آقایی. «بررسی نظریه بازدارندگی مجازات». *فصلنامه حقوق* ۲ (۱۳۸۷): ۳۶۱-۳۳۹.
- معاونت برنامه‌ریزی و توسعه قضایی. *بررسی وضعیت مجازات اعدام*. ویرایش اول. قم: انتشارات دادگستری استان قم، ۱۳۸۷.

ب. منابع انگلیسی

- Badar, Mohamed Elewa, and Noelle Higgins. "General Principles of Law in the Early Jurisprudence of the Icc." In *The International Criminal Court in Search of its Purpose and Identity*, First Published, edited by Triestino Mariniello, 263-281. New York: Routledge, 2015.
- Bantekas, Ilias, and Susan Nash. *International Criminal Law*. First Published. New York: Routledge, 2007.
- Bassiouni, M. Cherif. *Crimes against Humanity: Historical Evolution and Contemporary Application*. First Published. Cambridge: Cambridge University Press, 2011.
- Bonafe, Beatrice, and Paolo Palchetti. "Relying on General Principles in International Law." In *Theory and Practice of International Lawmaking*, edited by Catherine Brodmann and Yannick Radi, 160-176. Cheltenham: Edward Elgar Publishing, 2016.
- Boot, Machteld. *Nullem Crimen Sine Lege and the Subject Matter Jurisdiction of the International Court: Genocide, Crimes against Humanity and War Crimes*. Cambridge: Intersentia, 2001.
- Cassese, Antonio. "From Nuremberg to Rome: International Military Tribunals to the International Criminal Court." In *The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary*, VOL I, edited by Antonio Cassese, Paola Gaeta and John R.W.D. Jones, 3-19. Oxford: Oxford University Press, 2002.
- Clotilde, Pegoriev. "Denial, Impunity and Transitional Justice: The Fate of Female Rape Victims in Bosnia and Herzegovina." In *Women and Transitional Justice: The Experience of Women as Participants*, First Published, edited by Lisa Yarwood, 119-136. New York: Routledge, 2013.

- Cryer, Robert. *Prosecuting International Crimes: Selectivity and the International Criminal Law Regime*. First Published. Cambridge: Cambridge University Press, 2005.
- Detrick, Sharon. *A Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child*. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 1999.
- Dimitrijevic, Vojin, and Marko Milanovic. "Human Rights before International Criminal Courts." In *Human Rights Law: from Dissemination to Application*, edited by Jonas Grimheden, Rolf Ring, 149-168. Dimitrijevic: Martinus Nijhoff Publishers, 2006.
- Dutton, Yvonne. *Rules, Politics and the International Criminal Court*. First Published. New York: Routledge, 2013.
- Grover, Sonjac. *Prosecuting International Crimes and Human Rights Abuses Committed Against Children*. Berlin: Springer, 2010.
- Heller, Kevin Jon. *The Nuremberg Military Tribunals and the Origins of International Criminal Law*. First Published. Oxford: Oxford University Press, 2011.
- Heyns, Christof. *Human Rights Law in Africa 1998*. The Hague: Kluwer Law International, 2001.
- Hirsh, David. *Law against Genocide: Cosmopolitan Trials*. First Published. London: Glasshouse, 2003.
- Kruger, Hans Christian. "Protocol No.6 to the European Convention on Human Rights." In *The Death Penalty: Beyond Abolition*, edited by Council of Europe, 87-96. Berlin: Council of Europe Publishing, 2004.
- Lingsay, Moir. "Towards the Unification of International Law?." In *International Conflict and Security Law*, First Published, edited by Richard Burchill, Nigel D. White and Justin Morris, 108-128. Cambridge: Cambridge University Press, 2005.
- Murphy, John F. "Norms of Criminal Procedure at the International Military Tribunal." In *The Nuremberg Trial and International Law*, edited by George Ginsburgs, V.N Kudriavtsev, 61-75. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 1990.
- Nolte, George. "Jurisprudence under Special Regimes Relating to Subsequent Agreements and Subsequent Practice." In *Treaties and Subsequent Practice*, edited by George Nolte, 210-306. Oxford: Oxford University Press, 2013.
- Parish, Matthew. *Mirages of International Justice: The Elusive Pursuit of a Transnational Legal Order*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing, 2011.
- Pellet, Alain. "Applicable Law." In *The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary*, Vol.II., edited by Antonio Cassese, Paola Gaeta and John R.W.D.Jones, 1051-1084. Oxford: Oxford University Press, 2002.
- Quiroga, Cecilia Medina. *The Battle of Human Rights: Gross, Systematic Violations and Inter-American System*. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 1988.
- Ratner, Steven R, and Jason S. Abrams. *Accountability Human Rights Atrocities in International Law: beyond the Nuremberg Legacy*. 2^d Ed. Oxford: Oxford University Press, 2001.
- Schabas "a", William A. "Prosecuting Genocide." In *The Historiography of Genocide*, edited by Dan Stone, 253-270. London: Palgrave Macmillan, 2008.
- Schabas "b", William A. "Perverse Effects of the Nulla Poena Principle: National Practice and the Ad Hoc Tribunals." *European Journal of International Law* 11 (2000): 521-539.
- Schabas "c", William A. *Genocide in International Law: The Crimes of Crimes*. First Published. Cambridge: Cambridge University Press, 2000.
- Schabas "e", William A. *War Crimes and Human Rights: Essays on the Death Penalty, Justice and Accountability*. London: Cameron May Ltd, 2008.

Schabas, William A. "International Legal Aspects." In *Capital Punishment: Global Issues and Prospects*, VOL II, edited by Peter Hodgkinson, Andrew Rutherford, 17-44. Hampshire: Waterside Press, 1996.

Schabas, William A. "The Right to Fair Trial." In *Essays on The Rome Statute of the International Criminal Court*, VOL II., edited by Flavia Lattanzi, William A Schabas, 241-282. Fagnano Alto: ILsirente, 2003.

Schabas, William A. *An Introduction to the International Criminal Court*. 3rd Ed. Cambridge: Cambridge University Press, 2007.

Schabas, William A. *The Abolition of the Death Penalty in International Law*. 3rd Ed. Cambridge: Cambridge University Press, 2002.

Schabas "d", William A. "International Sentencing: from Leipzig to Arusha." In *International Criminal Law*, VOL III: International Enforcement, 3rd Ed, edited by M.Charif Bassiouni, 613-633. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2008 .

Suma, Mohamed. "The Politics of the Death Penalty in Post Conflict Sierra Leone: An Opportunity for Reform or a Missed Opportunity." In *The Politics of the Death Penalty in Countries in Transition*, First Published, edited by Madoka Futamura, Nadia Bernaz, 154-171. New York: Routledge, 2014.

Sun, Weiping, and Mingcang Zhang. *The New Culture: from a Modern Perspective*. Berlin: Springer, 2015.

Williams, Sarah. "The Completion Strategy of the Icty and Ictr," In *International Criminal Justice: A Critical Analysis of Institutions and Procedures*, edited by Michael Bohlander, 153-235. London: Cameron May Ltd, 2007.



The Influence of Human Rights Law on the International Criminal Regime about Death Penalty

Dr. Alireza Taghipour

Assistant Professor of Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran,
Email: arlaw2009@yahoo.com

The objectives of punishment are deterrence, retribution, correction of criminals and protection of the society. The designers of statute of Nuremberg and Tokyo tribunals that after Second World War established among mentioned objectives was taken into consideration only retribution. While in resolutions of Security Council of United Nations for the establishment of international tribunals for the former Yugoslavia and Rwanda all the objectives of punishment are inferential. Death penalty has not been predicted in their statutes. The reason of this can be the ratify of international documents of human rights as ICCPR and the second optional protocol of it and ECHR and annex sixth protocol of it can be named. On the other hand it can be claimed that in spite of there is no consensus in the context of death penalty prohibition in international law but the ratification of international criminal court statute by a huge number of countries in the world especially the countries that death penalty has not been prohibited in their internal regulations, represents the influence of human rights law on international criminal courts statute. But the case that can effect the impact of human rights law on statute of the international criminal court, is the possibility of retrial toward the convicted person in international criminal court by national courts that still have kept execution in their laws, so by correcting article 20(2) of statute and changing the word "crimes" to "behavior", we will not only witness observance of human rights law of ne bis in idem, But also Status of the human rights law in prohibition of the death penalty in the statute of international criminal court will be protected in the best way.

Keywords: Death Penalty, Human Rights, International Criminal Courts, International Documents.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. V, No. 2

2017-2

- **Double Criminality Rule in International Criminal Law of Iran**
Masoumeh Shekofteh Gohari & Dr. Mojtaba Janipour Eskolaki
- **Cyber-Attacks as the Crime of Aggression and examining the Jurisdiction of International Criminal Court in its Investigations**
Dr. Parastou Esmailzadeh Molabashi
- **Security-based Criminology and its Strategies in Process of Criminal Procedure; with an Emphasis on Criminal Law in Iran, France and The United States**
Nabiollah Gholami & Dr. Shahla Moazami
- **The Influence of Human Rights Law on the International Criminal Regime about Death Penalty**
Dr. Alireza Taghipour
- **Conditions of Sexual Victimization in Non-Criminal Codes (Taking into Civil Law and Law Supporting Parentless and with Bad Parents Children and Youth)**
Dr. Sayed Mansour Mirsaeedi & Narges Sadat Atai Hossein Abadi
- **International Measures to Prevent and Combat Maritime Terrorism**
Peyman Hakimzade Khoei & Dr. Mohsen Abdollahi



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study